

A Study of the Backgrounds and Causes behind Iran-Russia's Strategic Coalition in Syria¹

Morteza Rafiei Basiri¹, Mahdi Javdani Moqaddam², Davood Kiani³

¹ Ph.D., Department of International Relations, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
rafieibasiri@gmail.com

² Assistant Professor, Department of International Relations, Imam Sadegh University(AS), Tehran, Iran (**Corresponding author**). javdani2020@gmail.com

³ Associate Professor, Department of International Relations, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. dkiani@outlook.com

Abstract

Cooperation in the management of the Syrian crisis is considered a new field in the process of collaboration between Iran and Russia after the dissolution of the Soviet Union. In this regard, there are two different views about the strategic or tactical perspective of relations between two countries inside and outside Syria. Within this framework, the main research question of the present study is: what are the main reasons behind Iran-Russia cooperation in the Syrian war and what is the perspective of the strategic coalition between two countries? The research method is descriptive-analytic and it relies on the hypothesis that since Iran and Russia had long term political-economic interests and also a common enemy in Syria, operational cooperation between two countries in the level of strategic coalition started which successfully led to the stabilization of the Syrian government and provision of the common interests of Iran and Russia. Yet, their strategic coalition in Syria and globally is under the influence of historic perceptions underlying relations between two countries especially, from the view of some Iranian and Russian elites and it would create an important challenge in transition to their strategic alliance in international policy. Accordingly, the research results confirm their strategic coalition but reject their strategic alliance. Iran has always supported the stability of its neighboring countries. The most important threat to Iran is lack of government or having a weak government in the neighboring countries as the instability would penetrate into the territories of the Islamic Republic of Iran. It seems that the Russian federation is also afraid of extension of the Syrian crisis to enter its southern territories. Lack of government in the neighboring countries would be a basis for the emergence of some groups such as ISIS and so on which can possibly be used by regional and trans-regional competitive powers. From this view, one of the important threats to the national security of Iran and Russia is lack of government or having weak governments in their neighboring countries because in this situation regional and trans-regional powers as well as terrorist groups can plan and organize to challenge the national security of two countries.

Keywords: Iran, Russia, Syria, Foreign Policy, National Security, Middle East.

1. **Cite this article:** Rafiei Basiri, M., Javdani Moqaddam, M. & Kiani, K. (2023). A Study of the Backgrounds and Causes behind Iran-Russia's Strategic Coalition in Syria. *Iranian Political Research*, 10(1): 29-48.

DOI: 10.22034/sej.2022.1953255.1433

Received: 2022/02/22 ; **Received in revised form:** 2023/02/09 ; **Accepted:** 2023/03/16 ; **Published online:** 2023/03/21

© The Author(s).

Publisher: Qom Islamic Azad University



<http://se.journal.qom-iau.ac.ir/>

واکاوی زمینه‌ها و دلایل ائتلاف راهبردی ایران و روسیه در سوریه^۱

مرتضی رفیعی بصیری^۱، مهدی جاودانی مقدم^۲، داود کیانی^۳

^۱ دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. rafiebasiri@gmail.com

^۲ استادیار، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). javdani2020@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. dkiani@outlook.com

چکیده

همکاری در مدیریت بحران سوریه، حوزه تازه‌ای در فرایند همکاری‌های ایران و روسیه در دوره پس از فروپاشی شوروی به‌شمار می‌آید. در این زمینه، دو دیدگاه متفاوت در مورد ماهیت راهبردی یا تاکتیکی چشم‌انداز روابط دو کشور در سوریه و ورای آن وجود دارد. در این چارچوب، سؤال اصلی پژوهش حاضر آن است که دلایل اصلی همکاری ایران و روسیه در جنگ سوریه کدام است و چه چشم‌اندازی در ائتلاف راهبردی دو کشور متصور می‌باشد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و بر این فرضیه استوار است که وجود منافع سیاسی-اقتصادی درازمدت و دشمن مشترک ایران و روسیه در سوریه، موجب همکاری‌های عملیاتی دو کشور در سطح ائتلاف راهبردی شده که به شکل موفقیت‌آمیزی منجر به تثبیت دولت سوریه و تأمین منافع دو کشور شده است. با این وجود، ائتلاف راهبردی دو کشور ایران و روسیه در سوریه و در سیاست جهانی، تحت تأثیر برداشت‌های تاریخی حاکم بر روابط دو کشور، به‌ویژه در ذهنیت برخی از نخبگان ایرانی و روسی قرار داشته که چالش مهمی در گذار به اتحاد راهبردی آنان در سیاست بین‌الملل می‌باشد. بر این اساس، یافته‌های این پژوهش، موید ائتلاف راهبردی و مخالف اتحاد راهبردی دو کشور ایران و روسیه است. ایران همواره از ثبات در کشورهای پیرامونی خود حمایت کرده است. مهم‌ترین تهدید این کشور آن است که در کشورهای همسایه بی‌دولتی یا دولت‌های ضعیف حاکم شوند و این بی‌ثباتی به درون مرزهای جمهوری اسلامی ایران امتداد یابد. به نظر می‌رسد فدراسیون روسیه نیز از امتداد بحران سوریه به مرزهای جنوبی خود بیمناک است. این بی‌دولتی می‌تواند مبنای ظهور گروه‌هایی (مانند داعش و...) شود که امکان به‌کارگیری آنها توسط قدرتهای رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وجود دارد. از این دیدگاه، یکی از تهدیدات مهم علیه امنیت ملی ایران و روسیه، نداشتن دولت در کشورهای اطراف یا دولت‌های ضعیفی است که در چنین فضایی، هم قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و هم گروه‌ها می‌توانند اقدام به برنامه‌ریزی و سازماندهی کنند و امنیت ملی ایران و روسیه را به چالش بکشند.

کلیدواژه‌ها: ایران، روسیه، سوریه، سیاست خارجی، امنیت ملی، خاورمیانه.

۱. **استاد به این مقاله:** رفیعی بصیری، مرتضی؛ جاودانی مقدم، مهدی؛ کیانی، داود (۱۴۰۲). واکاوی زمینه‌ها و دلایل ائتلاف راهبردی

ایران و روسیه در سوریه. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۰(۱): ۲۹-۴۸. DOI: 10.22034/sej.2022.1953255.1433

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

© نویسنده‌گان. ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



۱. مقدمه

با شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس منافع و علایق خود، جهت‌گیری‌های مختلفی را در رابطه با این کشور، که اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ویژه‌ای در منطقه خاورمیانه دارد، اتخاذ نمودند. در این میان، تلاش پیگیر برخی دولت‌ها برای اعمال فشار و سرنگونی حکومت اسد، از جلوه‌های بارز تحولات سوریه محسوب می‌شود، که بر پیچیدگی اوضاع این کشور افزوده است. روسیه و ایران نیز متناسب با نوع برداشت از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود، به ایفای نقش در نظم‌سازی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته‌اند. همکاری ایران و روسیه در سوریه در سایه وجود منافع مشترک، شکل جدیدی از شراکت راهبردی و ژئوپولیتیک به خود گرفته است که می‌تواند به تاریخ طولانی بی‌اعتمادی میان دو طرف پایان دهد. این امر بدون شک دستاورد مهمی برای ایران به شمار می‌رود و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش می‌دهد. روابط روسیه و ایران با شروع همکاری در میدان جنگ سوریه، وارد مرحله تازه‌ای شده است که از نظر برخی کارشناسان می‌تواند گامی به سوی اتحاد راهبردی دو کشور در سیاست جهانی باشد. با این وجود، این مسئله با تردید از سوی برخی دیگر از کارشناسان، مورد ارزیابی قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاش دارد تا به بررسی زمینه‌ها و دلایل ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه و چالش‌ها و موانع احتمالی آن برای تبدیل به اتحادی راهبردی بپردازد.

۲. بیان مسئله

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دور شدن تهدید امنیتی روسیه از مرزهای ایران، فضای سنگین حاکم بر روابط ایران و روسیه تلطیف شد و این کشور از یک دشمن به یک کشور یاری‌دهنده برای ایجاد بازدارندگی علیه ایالات متحده تبدیل گشت. شرایط خودیاری رئالیستی حاکم بر روابط بین‌الملل، ایران را بر آن داشت، که با فاصله گرفتن از سیاست «نه شرقی، نه غربی»، به سیاست «اتفاق یا اتحاد» با کشورهای دیگر روی بیاورد. در این راستا، ایران تلاش کرد تا جهت پیشبرد سیاست خارجی مقابله‌گرایانه خویش به نوعی همکاری راهبردی با قدرت‌های رقیب آمریکا به‌ویژه روسیه و چین دست یابد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۶۶-۶۴). در واقع، برای ایران، توسعه روابط با روسیه می‌تواند نه تنها جبرانی برای عدم همکاری با غرب باشد، بلکه به نفوذ ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز کمک می‌کند. در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران و روسیه، منافع مشترک متعددی با هم دارند؛ زیرا آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای غربی، سوریه، فلسطین، عراق، یمن، شمال آفریقا، دریای خزر، دریای سیاه، مدیترانه، خلیج فارس، اقیانوس هند،

مناطق و موضوعاتی هستند، که هم جمهوری اسلامی ایران و هم روسیه، منافع حیاتی در آنها دارند. روسیه بر منافع مشترک دو کشور در مقابله با سیاست‌های سلطه‌جویانه ایالات متحده در جهان، به طور کلی و به ویژه در خاورمیانه تأکید می‌کند. روس‌ها همچنین خاطرنشان می‌کنند که روسیه و ایران با چالش‌های مشترک رادیکالیسم سیاسی و افراط‌گرایی در همسایگی‌های مشترک خود - از افغانستان تا سوریه - روبرو هستند. یعنی روس‌ها به مسائل امنیتی و ژئوپلیتیکی اولویت می‌دهند (Kortunov, 2021, p. 20-25).

در این میان، سوریه به دلیل حضور دیرینه پایگاه‌های اتحاد جماهیر شوروی در آن و به دلیل قرار گرفتن در قلب محور مقاومت و از سوی دیگر، حضور جریان سلفی، از اهمیت ویژه‌ای برای مسکو و تهران برخوردار بوده و لذا بحران سوریه، به دلیل منافع مشترک، به فصل جدیدی در سطح و عمق روابط آنان منجر شده است. این پژوهش تلاش دارد تا با واکاوی زمینه‌ها و دلایل ائتلاف راهبردی ایران و روسیه در سوریه، به این سؤال اصلی بپردازد که دلایل اصلی همکاری ایران و روسیه در جنگ سوریه کدام است؟ و چه چشم‌اندازی در ائتلاف راهبردی دو کشور متصور می‌گردد؟

۳. اهداف

مهم‌ترین اهداف این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱) شناخت دلایل ائتلاف راهبردی ایران و روسیه در سوریه،
- ۲) بررسی اشتراکات ائتلاف راهبردی ایران و روسیه در سوریه،
- ۳) بررسی اختلافات ائتلاف راهبردی ایران و روسیه در سوریه،
- ۴) بررسی ماهیت چشم‌انداز ائتلاف راهبردی ایران و روسیه.

۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

بحران سوریه نقطه عطف مهمی در روابط ایران و سوریه به حساب می‌آید. این بحران سبب شده است که با گسترش و تعمیق روابط دو کشور، برخی بر آغاز دوره روابط راهبردی ایران و روسیه تأکید کنند. این در حالی است که برخی دیگر از کارشناسان، موانع و چالش‌های موجود را مانع شکل‌گیری اتحاد راهبردی دو کشور در این بحران و موضوعات دیگر می‌دانند. بر این اساس و با توجه به اهمیت بحران سوریه و چشم‌انداز روابط ایران و روسیه در این بحران و همچنین نقش و جایگاه خاص روسیه در سیاست خارجی و امنیتی ایران، ارزیابی دلایل افزایش سطح روابط دو کشور و همچنین موانع و چالش‌های فراروی آن، به منظور درک چشم‌انداز روابط آنان در این بحران

و در سایر موضوعات و تحولات منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. مسلماً با توجه به اینکه درک نادرست از سطح و عمق روابط و برداشت‌های حداقلی یا حداکثری از همیاری و همکاری روسیه با ایران می‌تواند، آسیب‌های بسیاری را فراروی کشور قرار دارد، ضرورت انجام این پژوهش آشکار می‌گردد.

۵. پیشینه پژوهش

روابط ایران و روسیه یکی از موضوعات جنجال‌برانگیزی است که تاکنون مقالات و آثار متنوع و متعددی در مورد آن نگاشته شده است. این مسئله به‌ویژه پس از بحران سوریه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. باین وجود، آثار پژوهشی محدودی با این نگاه که سطح این روابط تحت تأثیر بحران سوریه چگونه بوده است؟ و چه خواهد بود؟ نگاشته شده است. پژوهش‌های انجام شده را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

علی‌اکبر جعفری و وحید ذوالفقاری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی» نشان داد که روسیه و ایران به صورت فزاینده‌ای، همکاری‌های سیاسی و نظامی خود را با هدف نابودی داعش و حل و فصل بحران سوریه افزایش داده‌اند.

همچنین نیکولای کوزانف^۱ (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نگاه‌های روسیه و ایران در باب وضعیت خاورمیانه: آینده منطقه چگونه به نظر می‌آید؟» معتقد است که ایران و روسیه یک تیم نسبتاً مؤثر در سوریه تشکیل داده‌اند، که هرکدام مکمل دیگری هستند.

صادقی و مرادی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی با عنوان «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، نشان دادند که هرچند شاید بتوان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران طی ۲۷ سال گذشته نزدیک‌ترین کشور خاورمیانه به روسیه بوده است، اما همکاری ایران و روسیه تنها پس از بحران سوریه بود که نمود قابل توجهی داشت. پس از شکل‌گیری بحران سوریه، مواضع همسوی ایران و روسیه شکل دیگری به خود گرفت و آنها را برای نخستین بار در خاورمیانه به لحاظ عملیاتی در یک جبهه مشترک قرار داد.

از سوی دیگر برخی از آثار نسبت به موقتی و تاکتیکی بودن روابط دو کشور علی‌رغم همکاری راهبردی آنان در سوریه تأکید کرده‌اند؛ چنانچه عزیزی و نجفی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه»، تأکید دارند که همکاری ایران و روسیه در بحران

1. Nikolay Kozhanov

سوریه، به معنای اشتراک کامل منافع میان آنها در این بحران نیست و علی‌رغم اهداف کوتاه مدت، چشم‌اندازی از اختلاف آنان حتی در بحران سوریه متصور است. همچنین درآینده و احمدی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، اظهار داشتند که اختلاف رویکرد این دو کشور ایران و روسیه و نوع کنشگری آنها می‌تواند، چالش‌هایی را در همکاری آنان در بحران سوریه ایجاد نماید.

پژوهش حاضر درصدد است با بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های روابط دو کشور ایران و روسیه در بحران سوریه، به آینده روابط دو کشور براساس منافع و اهداف مشترک آنان در بحران سوریه و وراثی آن، در سایر موضوعات و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد. به طور کلی، اکثر پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد موضوع این پژوهش نوشته شده، با محوریت بحران سوریه بوده و بیشتر بر ابعاد همگرایی یا واگرایی آنان تمرکز داشته است. در حالی که این پژوهش در سطحی کلان‌تر به چشم‌انداز روابط آنان و امکان یا عدم امکان تداوم روابط ائتلاف کنونی، نه تنها در بحران سوریه، بلکه در سایر موضوعات و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته است.

۶. یافته‌های پژوهش

واقع‌گرایان در تعریف و مفهوم‌بندی ائتلاف بر سایر نظریه‌پردازان تقدم دارند؛ زیرا از جنگ‌های پلوپونزی تاکنون در این باب اندیشیده‌اند. این نظریه‌پردازان در برداشتی ساده، منافع مشترک را نقطه عزیمت تحلیل خود از شکل‌گیری ائتلاف قرار می‌دهند و معتقدند، که اشتراک در منافع میان دولت‌ها که مقابله با تهدید را نیز در برمی‌گیرد، به ائتلاف شکل می‌دهد و با تضعیف و از میان رفتن این اشتراکات، ائتلاف‌ها نیز تضعیف خواهد شد یا از بین می‌روند. به دیگر سخن، ائتلاف‌ها پدیده‌هایی موقتی‌اند (Websters, 1995, p.22).

نظریه‌های اتحاد و ائتلاف به این مسئله می‌پردازد که دولت‌ها در دستیابی بهتر به اهداف خود در عصر کنونی، ناگزیر از ایجاد اتحاد و ائتلاف با دیگران هستند؛ به ویژه دولت‌هایی که دغدغه‌های امنیتی- سیاسی و اقتصادی مشترکی داشته باشد. امروزه نه تنها دنیای هرج و مرج و آنارشیک از بین نرفته، بلکه پیچیده‌تر هم شده است. دولت‌ها همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند و در کنار آن، بازیگران جدید و تهدیدات جدید که صرفاً از ناحیه دولت‌های دیگر نیستند، بلکه از ناحیه گروه‌های تروریستی و بازیگران چند ملیتی است، به وجود خواهند آمد. قواعد روابط بین‌الملل به گونه‌ای شده که تعامل، ائتلاف و اتحاد، به یک مسئله حیاتی در بین کشورها تبدیل گشته است. در این چارچوب، مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌ها را می‌توان به شرح

زیر برشمرد:

- **برقراری موازنه قوا:** توازن و موازنه قدرت زمانی شکل می‌گیرد که دولت‌های تجدید نظر طلب، امنیت قدرت‌های طرفدار وضع موجود را تهدید نکنند. در این صورت دولت‌های طرفدار وضع موجود در مقابل دولت‌های تجدید نظر طلب، صف‌آرایی خواهند کرد و با تشکیل اتحاد به دفاع از امنیت ملی و حفظ منافع ملی خویش خواهند پرداخت. به این دلیل که هر دولتی درصدد است که امنیت و منافعش را به بهترین نحو تأمین کند و منافع ملی خود را افزایش دهد. بنابراین، از دید طرفداران نظریه موازنه قوا، «هرگونه تلاشی برای برهم زدن موازنه قوا، موجب شکل‌گیری اتحاد در مقابل آن می‌شود». به عبارت دیگر، در یک سیستم توازن قدرت، همه کشورها زمانی که در معرض تهدید مشابهی قرار می‌گیرند، استراتژی ثابتی را اتخاذ می‌کنند. در چنین شرایطی کشورها به این مسئله که چه کشورهایی تهدید ایجاد می‌کنند و چه کشورهایی توافق به مشارکت دارند، توجه خواهند کرد. بنابراین، در یک سیستم توازن قدرت همه دولت‌ها به طور بالقوه، شرکای اتحاد هستند. با توجه به رئالیسم سنتی، تعادل قدرت، در قدرت متمرکز شده است. مورگنتا معتقد بود که تعادل قدرت وضعیتی است که در آن قدرت به طور مساوی بین تعدادی از کشورهای مشترک باشد (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳)؛ کنت والتز نیز تأکید می‌کند که موازنه قدرت، علت اصلی تشکیل اتحاد است.

- **اتحاد علیه هژمون:** اتحاد در مقابل قدرت‌های قوی هژمون بالقوه شکل می‌گیرد، تا اینکه اعضاء اطمینان پیدا کنند که هیچ دولتی بر سیستم مسلط نمی‌شود. با این کار، سیستم تثبیت می‌شود و تعادل جدید یا موازنه برقرار می‌گردد. در عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات، دولت‌ها از طریق اتحاد می‌توانند به نحو بهتری به اهداف خود برسند. در ضمن تهدیداتی که در عصر جهانی شدن دولت با آن مواجه شده‌اند به گونه‌ای است که صرفاً با همکاری و اتحاد می‌توان آنها را برطرف ساخت (قوام، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).

۶-۱. دلایل ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه

ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه، تحت تأثیر مجموعه‌ای از دلایل سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی شکل گرفته که هرکدام به تقویت روابط آنان و همگرایی میان دو کشور کمک کرده است. این موارد را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۶-۱-۱. دلایل و ابعاد سیاسی ائتلاف

در سال ۲۰۰۳، براساس طبقه‌بندی پنتاگون، سوریه به عنوان دولتی سرکش و پشتیبان تروریسم معرفی شد و جنگ با سوریه به عنوان بخشی از جنگ گسترده با ایران، مورد ارزیابی قرار گرفت و ایران، عراق و سوریه در اولویت تغییر رژیم برای قرن جدید قرار گرفتند. به تعبیری دیگر، سوریه گروگان آمریکا برای فشار به ایران است. این کشور هم‌پیمان استراتژیک ایران در برابر گروه کشورهای عربی به رهبری عربستان و همچنین اسرائیل نیز هست. برای ایران، سوریه خط مقدم دفاع در برابر ایالات متحده و اسرائیل قلمداد می‌شود. این کشور در محور مقاومت علیه اسرائیل که از ایران، لبنان و گروه‌های جهادی حماس و حزب‌الله تشکیل یافته است، قرار دارد (اسدی، ۱۳۹۰، ص ۱۸-۲۲). علاوه بر بازیگران منطقه‌ای صحنه تحولات، سوریه زمینه مساعدی را برای برجستگی عینی نقاط اشتراک ایران و روسیه در قبال تحولات بین‌المللی و منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است. هر دو کشور به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود، با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود مخالف هستند. از این‌رو است که تهران و مسکو طی سال‌های اخیر، مواضع انتقادی مشابهی را در قبال اتخاذ رویکردهای یک جانبه در مناسبات بین‌الملل از سوی ایالات متحده، گسترش ناتو به شرق، طرح استقرار سپر دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان و سپس در ترکیه، وقوع انقلاب‌های رنگی در مناطق پیرامونی روسیه، فعالیت نهادهای فرهنگی و سیاسی غربگرا و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی غرب، به‌ویژه در حوزه انرژی داشته‌اند. از این زاویه، نگرش هر دو کشور به تحولات کنونی سوریه را باید در نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ جهان غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه دانست. باید به فاصله ۶۰۰ مایلی موصل با گروزی^۱ اشاره کرد، که اولی مرکز خلافت داعش و دومی شهری است که روس‌ها در یک دهه، دو جنگ را در آن تجربه کرده‌اند. روس‌ها به خوبی بر این نکته واقفند که در صورت سرنگون شدن نظام سیاسی کنونی سوریه، کل منطقه زیر سلطه غرب، به‌ویژه آمریکا قرار می‌گیرد و این برای روسیه‌ای که در حال احیاء شدن است، یک زیان بزرگ تلقی می‌شود. لذا رویکرد روسیه در مورد تحولات سوریه را از نظر میزان حساسیت، نوع و شدت واکنش می‌توان، با رویکرد مسکو در قبال مناطق پیرامونی خود (خارج نزدیک) مقایسه نمود. تحرکات روسیه در قبال سوریه نیز حاکی از آن است که موضوع

1. Grozny

سوریه تا همین حد برای روسیه اهمیت دارد و اگر مسکو بخواهد سوریه را واگذار کند، باید نقش خود را در خاورمیانه برای همیشه به نفع غرب کنار بگذارد؛ امری که در تضاد کامل با منافع کلان و استراتژیک مسکو قرار دارد. ایران نیز سوریه را نقطه مهم و استراتژیک در محور مقاومت علیه اسرائیل و جهان غرب در منطقه می‌بیند. در واقع، ایران بحران سوریه را به مثابه استراتژی اسرائیلی - آمریکایی تفسیر کرده که در حل نبرد با تهران است. از نگاه ایران، تغییر رژیم در سوریه، مقدمه‌ای بر تغییر رژیم در تهران است (Assburg & Wimmen, 2013, p.73-74). در حال حاضر، از لحاظ ژئوپلیتیک، عمق استراتژیک ایران گسترش یافته است، به گونه‌ای که مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. تام دانیلون^۱ - مشاور امنیت ملی سابق آمریکا - در دسامبر ۲۰۱۱، اعلام نمود: «پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و برهم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود» (محمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲). بنابراین، تغییرات بنیادین در سوریه و روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا به هیچ عنوان در راستای منافع استراتژیک ایران و روسیه قرار ندارد.

۶-۱-۲. ریشه‌های نظامی موجد ائتلاف

از سوی دیگر، دولت روسیه از دیرباز و از دوران جنگ سرد، روابط گسترده نظامی با سوریه داشت؛ بسیاری از تکنولوژی‌های نظامی موجود در سوریه، روسی است. در آن برهه، بهترین روابط با سوریه برقرار بود و روسیه موفق شد که امتیاز ایجاد یک پایگاه نظامی را در بندر طرطوس^۲ از سوریه بگیرد. این پایگاه همچنان در اختیار روسیه قرار دارد و از محدود نقاط حضور مستقیم ارتش روسیه در بخش شرقی مدیترانه محسوب می‌شود. از این‌رو، تحولات اخیر سوریه زمینه مناسبی را برای تحکیم مناسبات نظامی روسیه و سوریه فراهم ساخته است. از سوی دیگر، دولت سوریه چراغ سبز برای ایجاد پایگاه نیروی دریایی ایران در سواحل نزدیک به جبله^۳ را و پایگاه هوایی در محلی که هم اکنون توسط نیروی هوایی روسیه استفاده می‌شود، نشان داده است. احتمال دارد، پایگاه دریایی ایران در سوریه، به طور بالقوه مسیری برای انتقال تسلیحات به حزب‌الله لبنان فراهم کند. این مسئله همچنین می‌تواند تنش در آب‌های مدیترانه، با حضور نیروی دریایی اسرائیل و ناوگان ششم دریایی

1. Thomas Danielson

2. Tartus

3. Jableh

ایالات متحده را افزایش دهد. علاوه بر آن ممکن است، برای تلاش‌های دیپلماتیک اسرائیل در جهت جلوگیری از حضور نیروی دریایی ایران در سوریه، خیلی دیر شده باشد. منطقه مورد علاقه دیگر ایران در سوریه، بلندی‌های جولان است؛ فلاتی آتشفشانی در جنوب غربی سوریه که مشرف به شمال اسرائیل است؛ در جنگ سال ۱۹۶۷ منطقه وسیعی از آن به اشغال اسرائیل درآمد. رزمندگان حزب‌الله و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حداقل از اواخر سال ۲۰۱۳، در شمال جولان حضور داشته‌اند. با خروج تکفیری‌ها از شمال جولان، این موقعیت به منطقه‌ای خالی از درگیری تبدیل شده است و به ایران و حزب‌الله فرصت احیای برنامه‌های اصلی خود در این منطقه را می‌دهد. به گفته کیورا ایلان^۱ - مشاور سابق امنیت ملی اسرائیل و ژنرال بازنشسته - برخلاف لبنان که در آن اسرائیل می‌تواند دولت را مسئول اعمال حزب‌الله در قلمرواش بداند، دولت سوریه کنترل محدودی بر سرزمین خود دارد. او می‌گوید «اگر حزب‌الله بخواهد موقعیت خود را در مرز اسرائیل و سوریه برای تحرکاتی در برابر اسرائیل تثبیت کند، جلوگیری از این مسئله برای دولت سوریه بسیار سخت خواهد بود» (Blanford, 2017, p.157-162).

۶-۱-۳. دلایل اقتصادی مؤثر در ایجاد ائتلاف

منافع اقتصادی گسترده دو کشور در سوریه را نیز باید یکی از اشتراکات مسکو-تهران به‌شمار آورد. در شرایطی که سوریه سال‌ها است تحت تحریم اقتصادی غرب قرار دارد، پیوندهای اقتصادی این کشور با ایران و روسیه بیش از هر کشوری در رشد و توسعه اقتصادی سوریه نقش داشته است. صادرات روسیه به سوریه بیش از ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ بوده و سرمایه‌گذاری روس‌ها در این کشور، مطابق با گزارش مسکو تایمز^۲ در سال ۲۰۰۹ بیش از ۱۹/۴ میلیارد دلار برآورد شده است. این ارقام علاوه بر فروش چهار میلیارد دلاری تسلیحات روسی به سوریه است. فعالیت گسترده شرکت‌های نفت و گاز روسی نیز در سوریه شایان توجه است. شرکت‌های نفتی و گازی روسیه در اکتشاف و تولید انرژی در این کشور حضور دارند. قرارداد «تانتفتس» در سال ۲۰۰۳ بسته شد، اما اولین حفاری‌اش را در حوزه کیشمای جنوبی^۳ در سال ۲۰۱۰ انجام داد. شرکت ترانس گاز^۴، یک خط لوله گاز طبیعی و یک کارخانه فراوری ساخته است و دومین کارخانه

1. Giora Eiland
2. The Moscow Times
3. South Kishma
4. Transgas

را نزدیک راکا (رقه)^۱ خواهد ساخت که ۱/۳ متر میلیارد مکعب، گاز را فراوری خواهد کرد. گروه نفتی شمالی- شرقی، مناقصه‌ای را پیروز شدند تا کارخانه فراوری نفت را نزدیک دیرالزور بسازد. یکی از شعبه‌های گازپروم^۲ به نام گروسرز^۳ قصد شرکت در مناقصه پالایش نفت شرکت کرد^۴ برنده شد. همچنین شرکت‌های روسی، در طرح‌های انرژی هسته‌ای در سوریه همچون طرحی که در سال ۲۰۱۰ توسط روس اتم مطرح شد، تا اولین نیروگاه هسته‌ای سوریه را بسازد، درگیرند. شرکت‌های روسیه همچنین در دیگر حوزه‌های اقتصاد سوریه شرکت کرده‌اند. اورالمش^۵ در سال ۲۰۱۰ قراردادی را امضا کرد که از راه آن تجهیزات حفاری را برای شرکت نفت سوریه بسازد. در سپتامبر ۲۰۱۱، توپولف^۶ و آویستار-اس-پی^۷ یادداشت تفاهمی را امضا کردند تا هواپیمای مسافبری تو-۲۰۴ اس ام^۸ و یک مرکز تعمیراتی را برای این هواپیماها در اختیار خطوط هوایی سوریه قرار دهند. گروه سینارا، مجموعه هتلی را در لادقیه ساخته است. سیترونیکس^۹ با هدف ساختن شبکه وایرلس برای سوریه در سال ۲۰۰۸، قراردادی را با این کشور امضاء کرد و سرانجام، شرکتی به نام فناوری دریانوردی روسی، در حال پیاده‌سازی طرح‌هایی برای نصب تجهیزات دریانوردی گلوناس^{۱۰} در پایگاه‌های دریایی سوریه است (کوشکی و طاهری بزی، ۱۳۹۳، ص ۴۳-۵۵). از سویی دیگر، ایران نیز با توجه به مناسبات نزدیک سیاسی با سوریه، از روابط بسیار گسترده اقتصادی با این کشور برخوردار است. به گونه‌ای که میزان تبادلات تجاری طرفین قبل از بحران سوریه در سال ۱۳۸۹ بالغ بر ۵ میلیارد دلار برآورد شده است. دو کشور در زمینه گردشگری، اتومبیل‌سازی، احداث نیروگاه برق و صنایع نفت و گاز، از روابط بسیار گسترده‌ای برخوردارند.

۶-۱-۴. ابعاد و دلایل ژئوکالچر در شکل‌گیری ائتلاف

آخرین نگرانی مشترک ایران و روسیه را باید نگرانی از به قدرت رسیدن افراط‌گرایان اسلامی

1. Rakka
2. Gazprom
3. Grocers
4. Kerdo
5. Uralmash
6. Tupolev
7. AviaStar-s-p
8. Tu-204SM
9. CTRONIQ
10. GLONASS

وابسته به جریان‌های سلفی و وهابی در سوریه دانست. بخش مهمی از جریان‌های مخالف دولت سوریه را این جریان‌ها تشکیل می‌دهد که به شدت از سوی کشورهای عربی، به‌ویژه از سوی عربستان سعودی پشتیبانی می‌شوند. روسیه طعم تلخ رویکردهای سلفی و وهابی را در قفقاز شمالی به‌ویژه چچن، اینگوش و داغستان چشیده است و ایران نیز از جهت‌گیری‌های ضد ایرانی و ضد شیعی این جریان‌ها به خوبی آگاه است. از این‌رو، علاوه بر نگرانی نسبت به حاکمیت رویکردهای غرب‌گرایانه، ایران و روسیه از قدرت‌یابی جریان‌های سلفی و وهابی در سوریه نیز، شدیداً احساس خطر می‌کنند، که این امر بر نزدیکی هرچه بیشتر مواضع دو کشور بسیار تأثیرگذار بوده است (Kouzegar, 2012, p.81-96). به نظر می‌رسد با توجه به شرایط یاد شده، ایران و روسیه یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل روابط دوجانبه را تجربه می‌کنند، که می‌تواند آزمونی بسیار دشوار برای همکاری‌های راهبردی دو کشور به‌شمار رود.

۶-۱-۵. تحریم علیه ایران و روسیه، تسریع بخش ائتلاف

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های همگرایی ایران و روسیه، به سیاست‌های آمریکا در قبال این دو کشور باز می‌گردد. در واقع، اگرچه نگرش و عملکرد دو کشور ایران و روسیه در قبال آمریکا، تفاوت‌هایی در راهبرد، اهداف، و چشم‌انداز دارد، اما مسلماً سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح نظام بین‌الملل، به‌ویژه در خاورمیانه و در قبال این دو کشور، عامل مهمی در تقویت مناسبات آنان بوده است. چنانچه در این زمینه، تحریم‌های بین‌المللی علیه دو کشور به یکی از محرک‌های دو طرف برای تقویت مناسبات تبدیل شده است (Fayazi, 2018, p. 12-17).

۶-۱-۶. چشم‌انداز ائتلاف راهبردی ایران و روسیه با تمرکز بر بحران سوریه

بنیان ائتلاف ایران و روسیه، برای حفظ نظام سیاسی مستقر در سوریه و از بین بردن داعش بوده است و تا زمانی که این اشتراک تداوم داشته باشد، ائتلاف نیز تداوم خواهد یافت. از دیگر سو، اگر سیاست‌های هر یک از این دو کشور، نسبت به این دو موضوع تغییر کند، یا اینکه جنگ داخلی سوریه به سود نظام سیاسی این کشور حل و فصل شود، ائتلاف دچار فروپاشی خواهد گشت. نگرانی بالقوه دوم برای ایران، در زمینه ایجاد کانال‌های ارتباطی میان روسیه و نمایندگان اپوزیسیون، میانه‌روی سوریه بوده است؛ به خصوص گزارش‌هایی که از مذاکرات بین مقام‌های روسیه و نمایندگان معارضان در ترکیه منتشر شده بود. علاوه بر این، ارتباط قوی روسیه با کردهای سوری و موافقت با ایجاد دفتری از سوی آنان در روسیه، سبب تنوع بخشیدن روسیه به گزینه‌های در اختیارش درباره آینده سوریه می‌شود. این در حالی است که ایران بر روی باقی ماندن اسد در

قدرت، تمرکز کرده است. به همین خاطر هرگونه تغییر در ساختار حکومت و دولت سوریه می‌تواند هزینه‌های بیشتری برای ایران در مقایسه با روسیه داشته باشد.

علاوه بر این، این تصور نادرست ایجاد شده که روابط روسیه و ایران به دلیل احساسات مشترک ضدغربی در میان نخبگان سیاسی هر دو کشور، در حال رشد است. در عین حال، این موضوع را نادیده می‌گیرند که ماهیت نفرت ایران و روسیه از آمریکا، متفاوت یکدیگر است و این تفاوت مهمی است. اگرچه ایران و روسیه هر دو احساسات ضدغربی دارند؛ اما به دلایل مختلف دیگری، به یکدیگر نزدیک شده‌اند، نه به دلیل وجود دشمن مشترک. در حالی که نگرش ضدغربی در روسیه از زمان جنگ سرد سابقه دارد، در ایران به خصوص در ماه‌های اخیر، شعارهای ضدغربی بدان خاطر سر داده می‌شوند که سیاستمداران ایرانی معتقدند که نمی‌توان به آمریکایی‌ها اعتماد کرد و اصرار دارند که آمریکا در اجرای برجام، تعهدات خود را نقض کرده است (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص ۴۴-۵۱).

در مورد سوریه، تهران طوری عمل کرده است که نشان دهد، در حال همکاری نزدیک با روسیه است. اما در پس موضوع مبهم حفظ اسد، منافع متضادی میان این دو وجود دارد. روسیه تمایل دارد از سقوط اسد جلوگیری کند و کشوری که مشتری او حساب می‌شود را برای خود در منطقه حفظ نماید. ایران نیز علاقه دارد با سوریه همچنان همکاری داشته باشد. تفاوت دیدگاه‌های این دو درباره آینده سوریه منجر به اتخاذ رویکردهای متفاوتی بوده است. روسیه در طول چهار دهه، روابط نظامی و فرهنگی خود را با نظام حکومتی و اداری اسد تقویت کرده است و می‌خواهد آن را حفظ کند. به همین دلیل، شخص بشار اسد برای مسکو مسئله حیاتی به شمار نمی‌آید. در واقع اگر اسد از مقام خود در سوریه کنار رود، احتمال بیشتری دارد سوریه بتواند به شکل بهتری به منافع روسیه در منطقه کمک کند. برای همین روسیه این را روشن کرده که «پیوند ناگسستنی» با بشار اسد ندارد (پوراآخوندی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). در همین حال، نقش ایران در جنگ داخلی سوریه بیشتر بر آن تمرکز دارد که به تداوم حکومت اسد کمک کند. نفوذ ایران در سوریه وابستگی بسیاری به روابطش با اسد دارد، که برای حمایت‌های ایران در طول جنگ داخلی سوریه به تهران مدیون است. همچنین ایران همزمان اقدام به آموزش و مسلح‌سازی بیش از صد هزار شبه نظامی محلی تحت عنوان نیروهای دفاع ملی کرده است. سوای محدودیت‌های نظامی - سیاسی در روابط اقتصادی ایران و روسیه، از جهاتی منافع اقتصادی اصلی آن‌ها در رقابت باهم قرار می‌گیرد. برای مثال، در زمینه نفت و گاز، آن‌ها در حفظ و به دست آوردن سهم خود در بازار رقابت شدیدی دارند. از زمان

امضای برجام، ایران کاملاً روشن ساخته است که قصد بازپس‌گیری سهم خود از بازار را دارد. با فرض آنکه ایران صاحب سهم خود از بازار نفت اروپا پیش از ۲۰۱۲ شود، سهم روسیه ۱۰ درصد کم می‌شود. به طور مثال، در مورد گاز طبیعی، ایران قراردادی با عراق و سوریه امضاء کرده است تا گاز را به واسطه خط لوله‌ای از میدان‌های خلیج فارس به شهر بندری طرطوس سوریه برساند؛ آخر بازی برای روسیه آن است که این گاز از آنجا به اروپا فرستاده شود. روس‌ها علاقه چندانی به رقابت در بازار گاز طبیعی ندارند. مسئله انرژی برای کرملین به دو دلیل بسیار مهم است. اولین و مهم‌ترین دلیل آن است که اقتصاد روسیه وابسته به منابع نفت و گاز آن می‌باشد. (در سال ۲۰۱۳، ۵۰ درصد بودجه فدرال را تشکیل می‌داد). همچنین قیمت نفت مسئله مهمی برای پوتین است، که بر یارانه برای کسب وفاداری و حمایت تکیه دارد. در حال حاضر که قیمت نفت پایین است، روس‌ها بی‌صبرانه نیازمند بالا رفتن دوباره آن هستند. اما برای ایرانی‌ها هم منطقی به نظر نمی‌رسد که تولید خود را ثابت نگه دارند. در نتیجه ایران، نه تنها در این میدان با روسیه رقابت دارد؛ بلکه به آن ضربه نیز وارد می‌کند. دلیل دوم که در سیاست خارجی روسیه به کرات دیده شده، استفاده از سهم ۳۰ درصدی خود از بازار انرژی اروپا برای اهرم فشار است. هرچند مسکو به طور بالقوه می‌تواند با توسعه بازار انرژی خود در کشورهایی مانند چین، ضررهای مالی خود را جبران کند، اما جایگزینی اهرم فشار دیگری بر اروپا برای آن‌ها بسیار سخت خواهد بود (کوشکی و طاهری، ۱۳۹۳، ص ۴۳).

از سوی دیگر، اگرچه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در متقاعد کردن ولادیمیر پوتین برای اعزام نیروی هوایی خود به سوریه و نجات بشار اسد در سپتامبر ۲۰۱۵ نقش اساسی داشت (Ducols, 2019, p.42-45)؛ اما در عین حال به حاشیه رفتن احتمالی نقش و بازیگری ایران در سوریه، تهدیدی بالقوه برای منافع منطقه‌ای ایران محسوب می‌شود. افزون بر آن، گرچه در آغاز حضور فعالانه روسیه در سوریه، این کشور به شدت نیازمند همکاری، همراهی و پشتیبانی ایران بود؛ اما در ادامه ممکن است از میزان نیاز روس‌ها به ایران در منطقه، به‌ویژه در سوریه کاسته شود. ولادیمیر یوسیف^۱ - کارشناس روسی - به این موضوع اشاره می‌کند که در آینده، نقش روسیه در سوریه افزایش خواهد یافت؛ ولی نقش ایران در این کشور افزایشی نخواهد داشت (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵، ص ۸۶). اگرچه روسیه با قدرت هوایی خود و ایران با نیروی زمینی خود نقش

1. Vladimir Yusuf

مؤثری در صحنه معادلات سوریه دارند؛ ولی از اینکه جایگاه ایران در صحنه جنگ سوریه تحت رهبری عملیات هوایی روسیه قرار بگیرد و نقش مستقلانه ایران را تحت الشعاع قرار دهد، برای این کشور تهدید محسوب می‌شود. موضوع مهم دیگر به اختلاف مسکو و تهران درباره آینده اسد و نظام سوریه برمی‌گردد. هرچند از لحاظ تاکتیکی، مواضع دو کشور در بحران سوریه یکسان است، ولی دیدگاه راهبردی‌شان نسبت به آینده سوریه متفاوت است. روسیه تمایل دارد سوریه را به عنوان یک کشور سکولار ببیند، بر همین اساس، روسیه در نهایت خواهان ترتیباتی است که بتواند با شریک کردن اعراب سنی در قدرت، ترکیه و عربستان را هم راضی کند. در حالی که، جمهوری اسلامی ایران خواهان این است که به سوریه کمک کند تا ساختاری دولتی شکل دهد که در آن اقلیت علوی، برتری خود را بر اکثریت سنی سوریه از دست ندهند. ایران نگران است، اعطای نقش مهم به اهل تسنن در سوریه منجر به تضعیف نیروهای طرفدارش در سوریه شود. تهران بر ماندن اسد به عنوان رئیس جمهور تأکید دارد، حال آنکه مسکو آماده مصالحه بر سر ریاست جمهوری اسد است. برای روسیه مسئله این نیست که چه کسی سوریه را رهبری خواهد کرد، بلکه مهم این است که رئیس جمهور آینده سوریه چگونه منافع روسیه را تضمین خواهد کرد (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵، ص ۴۹-۴۸).

موضوع دیگر، مسئله اسرائیل است. ایران، سوریه را به خاطر اینکه به مثابه جبهه ایران علیه اسرائیل است دارای اهمیت می‌داند. ایران، اسرائیل را دشمن خود در نظر می‌گیرد و شعار نابودی‌اش را مطرح می‌کند؛ در حالی که روسیه دارای مناسبات مستمر و دارای همکاری نزدیک با آن رژیم است و نتانیاهو در ۹ می ۲۰۱۸، در مراسم رژه سالگرد پایان جنگ جهانی دوم و در میدان سرخ، در کنار پوتین شرکت کرد (Ducols, 2019, p.42-45). لذا، مسکو در همکاری با تهران در بحران سوریه، ملاحظات تل‌آویو را در نظر دارد و به طور جدی مخالف هرگونه تهدیدی علیه اسرائیل است. مسکو در سطوح مختلف نظامی و امنیتی قبل از انجام عملیات هوایی در خاک سوریه، هماهنگی‌های لازم را با اسرائیل انجام می‌دهد. اخیراً خبرهایی مبنی بر تماس اسرائیل و روسیه و توافق میان آنها مبنی بر فشار روسیه به ایران برای خروج نیروهایش از مرز با سرزمین‌های اشغالی مطرح شده است، که می‌تواند تهدیدی علیه منافع ملی ایران باشد. همکاری مسکو با سایر قدرت‌های منطقه‌ای درگیر در بحران سوریه، عامل دیگری است که منافع ایران را چالش مواجهه می‌کند. روسیه در طول سالیان اخیر همواره در تلاش است تا در روابط خود با قدرت‌های خاورمیانه ایجاد توازن کند (عسگریان، ۱۳۹۴، ص ۵۰). به عنوان نمونه، در حالی که رقابت میان

ایران و عربستان در مسائل منطقه به ویژه سوریه وجود دارد، ولی روسیه به‌رغم احساس نگرانی از تهدیدات از ناحیه گروه‌های تکفیری مورد حمایت عربستان، همواره سعی کرده است، روابط خود را با این کشور حفظ نماید و در آینده هم احتمال گسترش این روابط به ویژه در حوزه فروش تسلیحات به عربستان وجود دارد. بنابراین، روسیه در منطقه خاورمیانه به‌ویژه در سوریه درصدد استفاده از همکاری همه بازیگران است تا خود را به‌مثابه یک قدرت برتر منطقه‌ای که دارای مشروعیت در بین کشورهای منطقه نیز باشد، معرفی کند (عسگریان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۹-۱۹۵).

در این چارچوب، اگرچه روسیه و ایران حول هدف کلی تقویت رژیم اسد همگرا شده‌اند؛ اما مشارکت مسکو و تهران در سوریه، موزاییک پیچیده‌ای از همپوشانی منافع، درگیری‌های منطقه‌ای گسترده‌تر و رویکردهای متضاد برای بازسازی پس از جنگ را نشان می‌دهد. دیدگاه‌های روسیه و ایران در مورد آینده سوریه شامل دیدگاه‌های متفاوت در مورد اصلاحات نظامی و سرمایه‌گذاری اقتصادی است. با این حال، بعید است که این اختلافات منجر به شکست رابطه شود. مسکو و تهران از تجربیات خود در کاهش اختلافات تاکتیکی در کمپین‌های نظامی آموخته‌اند و به احتمال زیاد حوزه‌های منافع در سوریه را محدود می‌کنند؛ زیرا هر دو به دنبال بهره‌برداری از مزایای سیاسی و اقتصادی روابط نزدیک با دمشق هستند. تجربه همکاری نزدیک و تماس‌های پایدار به طور همزمان، توانایی مسکو و تهران را برای رسیدگی به چالش‌های رو به رشد حل و فصل پس از جنگ در سوریه، بهبود یافته است (Grajewski, 2021, p. 70-77)؛ اما باید توجه داشت، ائتلاف نظامی روسیه و ایران در سوریه، در حال تبدیل شدن به یک مشارکت رقابتی است. این روند می‌تواند باعث شود روسیه و ایران در موضوع آینده ساختار سیاسی سوریه، به رقابت پردازند (Ramani, 2021, p.12-14). وزارت خارجه آمریکا تخمین می‌زند که از سپتامبر ۲۰۱۵، هزینه مشارکت در سوریه با ۲/۴ تا ۴ میلیون دلار در روز، و هزینه ایران بیش از ۱۶ میلیارد دلار در سوریه از سال ۲۰۱۲، بوده باشد. بدیهی است که سوریه برای جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار باشد و منافع خود را بلندمدت‌تر از روسیه می‌داند (Hatahet, 2019, p. 6-10). مجموعه این شرایط نشان می‌دهد که ائتلاف راهبردی ایران و روسیه در بحران سوریه تا گذار به یک اتحاد راهبردی، مسیر پرپیچ و خمی را باید سپری کند و مسلماً در این میان، رقابت‌های دو کشور در موضوعات و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، یا فقدان اهداف و منافع مشترک راهبردی مانند آنچه در بحران سوریه وجود داشت نیز، به گسست ائتلاف راهبردی آنان می‌تواند دامن بزند.

۷. نتیجه‌گیری

دو کشور ایران و روسیه در طول تاریخ روابطشان سیر طولانی از رقابت همکاری، جنگ و ائتلاف راهبردی را پشت سر گذاشته‌اند، که بحران سوریه نقطه اوج تعاملات آنان به حساب می‌آید. در این میان، اگرچه وجود منافع سیاسی - اقتصادی دراز مدت و دشمن مشترک ایران و روسیه در سوریه، موجب همکاری‌های عملیاتی دو کشور در سطح ائتلاف راهبردی شده، که به شکل موفقیت‌آمیزی منجر به تثبیت دولت سوریه و تأمین منافع دو کشور شده است؛ با این وجود، ائتلاف راهبردی دو کشور ایران و روسیه در سوریه و در سیاست جهانی، تحت تأثیر برداشت‌های تاریخی حاکم بر روابط دو کشور به‌ویژه در ذهنیت برخی از نخبگان ایرانی و روسی قرار داشته است، که چالش مهمی در گذار به اتحاد راهبردی آنان در سیاست بین‌الملل دارد. براین اساس، یافته‌های این پژوهش، مویّد ائتلاف راهبردی و مخالف اتحاد راهبردی دو کشور ایران و روسیه است. لذا، صرفاً وجود - و یا تعریف - اهداف و منافع راهبردی و مشترک - و نه صرفاً مبتنی بر نگاه ایران به سیاست جهانی و یا تحولات منطقه‌ای - می‌تواند ضامن شکل‌گیری و تسری ائتلاف راهبردی دو کشور به سایر موضوعات مرتبط با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی باشد.

منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰). تحولات جهان عرب و دگرگونی در ائتلاف‌های منطقه‌ای. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ایوانف، ایگور؛ شوری، محمود (۱۳۹۵). همکاری‌های ایران و روسیه، ابعاد و چشم‌انداز. تهران: موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- پوراآخوندی، نادر (۱۳۸۴). روسیه بین شرق و غرب؛ مطالعات راهبردی بررسی سیاست خارجی روسیه در آستانه قرن ۲۱. مطالعات راهبردی، شماره ۲۷، ص ۲۷.
- جعفری، علی اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه، همگرایی یا واگرایی؟ مطالعات اوراسیای مرکزی، (۱۲)۶، ص ۴۴-۵۱.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای ۲۰۰۱-۱۹۹۱. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- درآینده، روح‌الله؛ احمدی، حمید (۱۳۹۷). سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران. مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱(۴۴)، ص ۶۹-۹۵.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ مرادی، سمیران (۱۳۹۶). تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه. اوراسیای مرکزی، دوره ۱۰، شماره ۱، ص ۱۷۰-۱۵۳.
- عزیزی، حمیدرضا؛ مصطفی، نجفی (۱۳۹۶). آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۹(۲)، ص ۶۷-۹۵.
- عسگریان، حسین (۱۳۹۴). چشم‌انداز روابط ایران و روسیه. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۶). روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
- کوژانف، نیکولای (۱۳۹۶). نگاه‌های روسیه و ایران در باب وضعیت خاورمیانه: آینده منطقه چگونه به نظر می‌آید؟ تهران: مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
- کوشکی، محمدصادق؛ طاهری بزی، ابراهیم (۱۳۹۳). حضور روسیه در خاورمیانه در دوره پوتین. مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱، ص ۴۳.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). مثلث ایران، روسیه و چین در بحران سوریه. پیام انقلاب، شماره ۶۶، ص ۲۲.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۴). سیاست میان‌ملت‌ها. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- Blanford, N. (2017). *Iran in Syria and the possibility of long-term success*. Christian Monitor
- Ducols, M. (2019). *Russia and Iran in Syria—a Random Partnership or an Enduring Alliance*. URL: https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Russia_and_Iran_in_Syria_a_Random_Partnership_or_an_Endu

ring_Alliance.pdf

- Fayazi, N. (2018). *Russia and Iran: New strategic power alliance in Syria?* Institute for Global Dialogue, the University of South Africa (UNISA).
- Grajewski, N. (2021). *The Evolution of Russian and Iranian Cooperation in Syria*. Center for Strategic and International Studies (CSIS).
- Hatahet, S. (2019). *Russia and Iran: Economic Influence in Syria, Middle East and North Africa Programme*. The Royal Institute of International Affairs Chatham House.
- Kortunov, A. (2021). *Russia and Iran: How Far from a Strategic Partnership?* The Russian International Affairs Council (RIAC).
- Kouzegar, K.V. (2012). *Common Goals and Interests of Iran and Russia in Syria*. Tehran: International Studies & Research Institute (Abrar Moaser), p. 81-96.
- Ramani, S. (2021). *Russia and Iran in Syria: Military Allies or Competitive Partners?* LSE's Middle East Centre.
- Websters Encyclopedic Dictionary*. New York: Educational Book Guild, Inc., 1995.